



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۷/۲۳

نور محمد غفوری

سیاست ماجراجویانه و هزینه‌ای که ملت‌ها می‌پردازند

تاریخ بشر بارها ثابت کرده است که ملت‌ها بیش از آنکه قربانی دشمنان خارجی باشند، قربانی تصمیم‌های نادرست، سیاست‌های شتاب‌زده و ماجراجویی‌های رهبران و جریان‌های سیاسی خود شده‌اند. بسیاری از جنگ‌ها، بحران‌ها و ویرانی‌ها، نه از روی ضرورت، بلکه در نتیجه محاسبات غلط، احساسات زودگذر و نادیده گرفتن واقعیت‌های جامعه به وجود آمده‌اند.

سیاست ماجراجویانه به سیاستی گفته می‌شود که به جای تکیه بر عقلانیت، برنامه‌ریزی ستراتیژیک و تحلیل علمی، از حادثه‌ای به حادثه‌ای دیگر حرکت می‌کند. این نوع سیاست، بیشتر بر احساسات، هیجان، واکنش‌های مقطعی و محاسبات نادرست استوار است و بدون توجه به توازن نیروها، شرایط عینی و ذهنی جامعه، امکانات موجود و پیامدهای کوتاه‌مدت و درازمدت، دست به اقداماتی می‌زند که نتیجه آن معمولاً بیش از آنکه سودمند باشد، زیان‌بار است.

افغانستان نیز در بیش از چهار دهه گذشته، بارها قربانی چنین سیاست‌هایی شده است. سیاست‌های ماجراجویانه، چه از سوی حکومت‌ها و چه از سوی مخالفان، نه تنها مشکلات کشور را حل نکرده، بلکه در بسیاری موارد بر دامنه بحران‌ها افزوده است. قربانی اصلی این سیاست‌ها همواره مردم بوده‌اند؛ مردمی که امنیت، آرامش، فرصت‌های اقتصادی و آینده فرزندان خود را از دست داده‌اند.

در سال‌های اخیر نیز نمونه‌هایی از این رویکرد را می‌توان مشاهده کرد؛ از جمله اقدام‌های مسلحانه گروه‌های کوچک برای وارد کردن ضربه به نظام حاکم، تلاش برای تصرف کوتاه‌مدت برخی واحدهای اداری، اقدامات افراطی بعضی جریان‌های قومی، یا اعتراض‌هایی که در مواردی با رفتارهای نمادین تند، مانند آتش زدن حجاب، همراه بوده است. این اقدامات هرچند ممکن است با انگیزه‌های متفاوت سیاسی، اجتماعی یا اعتراضی انجام شده باشند، اما پرسش اساسی این است که آیا طراحان آنها ظرفیت‌های واقعی جامعه، شرایط سیاسی کشور، توازن نیروها و پیامدهای احتمالی چنین اقداماتی را به‌درستی ارزیابی کرده بودند؟

تجربه نشان می‌دهد که هر حرکت سیاسی، اگر میان هدف، امکانات، شرایط و پیامدها تناسب برقرار نکند، نه تنها به نتیجه مطلوب نمی‌رسد، بلکه ممکن است نتیجه‌ای کاملاً معکوس به بار آورد. چه بسا اقدامی که با هدف تضعیف یک حکومت آغاز می‌شود، در عمل زمینه انسجام و تداوم بیشتر آن را فراهم سازد و محدودیت‌های تازه‌ای را بر جامعه تحمیل کند. تاریخ سیاست سرشار از چنین نمونه‌هایی است.

از سوی دیگر، افغانستان جامعه‌ای با ویژگی‌های خاص تاریخی، فرهنگی، مذهبی، قومی و اقتصادی است. هیچ جریان سیاسی، خواه در قدرت باشد و خواه در صف مخالفان، نمی‌تواند بدون شناخت این واقعیت‌ها به موفقیت دست یابد. سیاستی که ساختار اقتصادی کشور، باورهای دینی مردم، عنعنات پسندیده اجتماعی و ظرفیت‌های واقعی جامعه را نادیده بگیرد، دیر یا زود با بن‌بست روبرو خواهد شد.

البته این سخن هرگز به معنای نفی حق اعتراض، نقد و مطالبه اصلاحات نیست. اعتراض مسالمت‌آمیز، آزادی بیان و تلاش برای اصلاح امور، از حقوق طبیعی شهروندان و از عوامل پیشرفت هر جامعه به شمار می‌روند. اما تجربه

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خبر و لولی

کشورهای مختلف نشان داده است که شیوه اصلاحات به اندازه اصل اصلاحات اهمیت دارد. اصلاحات پایدار زمانی به نتیجه می‌رسد که بر شناخت دقیق جامعه، گفت‌وگو، سازمندی، اقتناع افکار عمومی، برنامه‌ریزی مرحله‌ای و واقع‌بینی سیاسی استوار باشد، نه بر هیجان، واکنش‌های آنی و اقدامات نمایشی.

در برابر سیاست ماجراجویانه، سیاست خردمندانه قرار دارد. سیاست خردمندانه پیش از هر اقدام، از خود می‌پرسد: آیا این اقدام با واقعیت‌های جامعه سازگار است؟ آیا امکانات لازم برای موفقیت آن وجود دارد؟ مردم چه هزینه‌ای خواهند پرداخت؟ و آیا نتیجه نهایی در خدمت منافع ملی خواهد بود؟

چنین سیاستی به جای حرکت از بحرانی به بحران دیگر، دارای هدف روشن، برنامه مشخص و راهبرد سنجیده است. به جای تشدید اختلاف‌ها، در پی مدیریت آنهاست؛ به جای دامن زدن به نفرت، برای ایجاد اعتماد تلاش می‌کند؛ و به جای شعارهای احساسی، بر تحلیل، گفت‌وگو، مشارکت ملی و اصلاحات تدریجی تکیه دارد. قدرت واقعی یک سیاست، در توانایی آن برای حل مشکلات مردم است، نه در ایجاد هیجان و بحران.

امروز افغانستان بیش از هر زمان دیگری به خرد سیاسی نیاز دارد. کشوری که دهه‌ها جنگ، مداخله خارجی، افراط‌گرایی و رقابت‌های ویرانگر را تجربه کرده است، دیگر توان پرداخت هزینه‌های ماجراجویی‌های تازه را ندارد. نسل امروز و فردای افغانستان بیش از هر چیز به امنیت، آموزش، اشتغال، عدالت، قانون‌مندی و وحدت ملی نیاز دارد.

بنابراین، مسئولیت همه نیروهای سیاسی، نخبگان، روشنفکران و فعالان اجتماعی آن است که به جای رقابت در شعارهای تند و اقدامات احساساتی، در رقابت برای ارائه برنامه، تقویت عقلانیت، گسترش فرهنگ گفت‌وگو و تأمین منافع ملی پیشگام شوند. هیچ کشوری با شعار و احساسات ساخته نشده است؛ ملت‌ها زمانی به پیشرفت دست یافته‌اند که تصمیم‌های بزرگ خود را بر پایه دانش، تجربه، واقع‌بینی و خرد جمعی استوار کرده‌اند.

تاریخ گواهی می‌دهد که هزینه سیاست‌های ماجراجویانه را هرگز سیاستمداران به تنهایی نمی‌پردازند؛ این ملت‌ها هستند که با جان، مال، امنیت، رفاه و آینده فرزندان خود، بهای آن را پرداخت می‌کنند. از همین رو، بزرگترین مسئولیت سیاستمداران و فعالان سیاسی آن است که پیش از هر اقدام، نه تنها به آرزوهای خود، بلکه به سرنوشت ملت نیز بیندیشند.

ملت‌ها با ماجراجویی به پیروزی نمی‌رسند؛ با خرد، تفاهم و شناخت واقعیت‌ها آینده خود را می‌سازند.

18.07.2026